



کتابستان

ای که مرا خوانده‌ای...

معرفی کتاب «سفر به قبله» در Khamenei.ir



«سفر به قبله» نام یادداشت‌های سفر حج ۱۳۷۰ ه‍.ق است. سیزدهمین سالگرد حج در سال ۱۳۷۰ نخستین مراسم حج در سال ۱۳۶۶ در مکه بود و همچنین نخستین سفر حج نویسنده، جمع این دو نخستین، انگیزه بهبودی برای نوشتن این سفرنامه روحانی بوده است.

سفرنامه‌های حج از زمان‌های قدیم به‌عنوان ابزارهای مهمی برای انتقال تجربیات زیارتی، ثبت وقایع تاریخی و غنای ادبی و فرهنگی جوامع اسلامی شناخته شده‌اند. اهمیت این متون را می‌توان در چند نکته اصلی خلاصه کرد: اولین نکته، ثبت دقیق مناسک و آداب حج است. نویسندگان سفرنامه، با دقت بسیار، به توصیف مناسک مختلف مانند طواف، سعی و وقوف در عرفات پرداخته‌اند. این توصیفات، برای افرادی که قادر به حضور در سرزمین وحی نیستند یا در آینده می‌خواهند از جزئیات این اعمال آگاه شوند، منبعی بسیار مفید و معتبر به‌شمار می‌رود.

دومین نکته، انعکاس تحولات تاریخی و سیاسی است. سفرنامه‌های حج، به‌ویژه در دوره‌های مختلف، اوضاع سیاسی و اجتماعی حجاز و مناطق اطراف را به‌تصویر می‌کشند. این متون، برای پژوهشگران تاریخ، منبعی غنی از اطلاعات درباره حکومت‌ها، روابط بین‌المللی و تغییرات اجتماعی محسوب می‌شوند.

سومین نکته، شناخت جغرافیا و مسیرهای سفر زائران است. توصیف مسیر حرکت زائران از نقاط مختلف مانند ایران و اندلس تا مکه و مدینه همراه با معرفی کاروانسراها و خطرات موجود، به جغرافیای دانان کمک می‌کند تا شبکه‌های ارتباطی و تعاملات بین‌المللی آن دوران را بازسازی کنند.

نکته چهارم، تنوع فرهنگی و اجتماعی است. سفرنامه‌ها تصاویر گر حضور مسلمانان از نقاط مختلف جهان در یک گردهمایی بزرگ هستند. توصیف لباس‌ها، لهجه‌ها و آداب و رسوم مختلف، نشان‌دهنده تعامل و هم‌زیستی فرهنگ‌های گوناگون در سایه وحدت دینی است.

پنجمین نکته، ارزش ادبی و سبکی این متون است. بسیاری از سفرنامه‌ها به‌خاطر نثر زیبا و توصیف‌های هنرمندانه، از ادبیات فارسی و عربی ماندگار شده‌اند و تلفیق نثر گزارشی با زبانی شاعرانه، آن‌ها را به آثار برجسته ادبی تبدیل کرده است.

شمشیم نکته، نقش آموزشی و تربیتی سفرنامه‌هاست. این متون نه‌تنها راهنمایی برای مناسک‌اند، بلکه حاوی اندیشه‌های اخلاقی و عرفانی هستند که می‌توانند خواننده را برای زیارت با نیتی خالص و آمادگی معنوی بیشتر آماده کنند.

در نهایت، سفرنامه‌های حج به‌عنوان منابعی برای مطالعات میان‌رشته‌ای و تطبیقی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. محققان در زمینه‌های اسان‌شناسی، دین‌شناسی و گردشگری، از این متون به‌عنوان داده‌هایی غنی برای تحلیل زندگی زائران و تأثیر حج بر توسعه پایدار مناطق میزبانی بهره می‌برند.

به طور کلی، سفرنامه‌های حج به‌عنوان پل ارتباطی میان گذشته و حال، هم به‌عنوان اسنادی معتبر از مناسک و ساختارهای اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی و هم به‌عنوان آثار ادبی با ارزش، تجربیات زیارتی را از زوایای مختلف عینی، عرفانی، تاریخی و فرهنگی به ما منتقل می‌کنند. این توضیحات پهلانه‌ای است که تا ضمن آن به سفرنامه حج هدایت‌الله بهبودی بپردازیم.

«سفر به قبله» نام یادداشت‌های سفر حج ۱۳۷۰ ه‍.ق است. سیزدهمین سالگرد حج در سال ۱۳۷۰ نخستین مراسم حج پس از حادثه برائت از مشرکین حج در سال ۱۳۶۶ در مکه بود و همچنین نخستین سفر حج نویسنده، جمع این دو نخستین، انگیزه بهبودی برای نوشتن این سفرنامه روحانی بوده است. در آغاز نویسنده کمال ناباوری خود از آمدن به این سفر را بیان و روزنه‌های امید را به قلب انسان باز می‌کند تا دریابد هنگامی که او (خداوند) بخواهد، سفر حج محقق می‌شود، دقیقاً به همین سادگی که این متن را می‌خوانید. در ادامه بهبودی دیدارش را رهبر معظم انقلاب را شرح می‌دهد. نویسنده در «سفر به قبله» با ثبت گزارش روزانه سفرنامه خود لحظه‌لحظه مخاطب را با خود همراه کرده و او را در موقعیت‌هایی که خودش قرار گرفته، قرار می‌دهد. بهبودی با ارائه دو نوع نگاه سیاسی و معنوی به این سفرنامه، هم اشاره به برخی رفتارهای سعودی‌ها با ایرانی‌ها و سیاست‌هایشان در کم‌اهمیت جلوه دادن جنبه‌های مذهبی و در عوض رونق دادن بازاربازی محصولات اروپایی و آمریکایی و چینی دارد و هم به توصیف لحظه‌های ناب عرفانی، رنگ باختن متعلقات دنیوی و تساوی انسان‌ها از فقیر و غنی گرفته تا رئیس و مئروس و زن و مرد، وعده‌ها و شترط‌های با خداوند، وصف جزه‌بجز لحظات احرام، دوری از شیطان و وسوسه‌هایش پرداخته که شما را قطعاً مشتاق سفر به آن دیار خواهد کرد.

به گواهی همه اهالی قلمی که به سفر حج مشرف شده‌اند فارغ از گرایش‌های سیاسی این تکه از زمین در سرزمین حجاز با همه دنیا تفاوتی محسوس دارد. یکی از سفرنامه‌نویسان شهیر ایرانی در یکی از سفرنامه‌هایش به صراحت نوشته بود هر وقت کسی می‌گفت فلاتی حج و مکه با همه دنیا فرق دارد، با احترام به عقایدشان با خودم می‌گفتمند فرصت نداشتند جاهای دیگر دنیا را ببینند تا زمان سفر حج خودش قرار رسید. او با شرح سفرش در پایان نوشت: حالا من جزء آن دسته از آدم‌هایی هستم که به دیگری‌ها که مکه مشرف نشده‌اند مکه چیز دیگری است جای دیگری که باید آن را تجربه کرد.

درون نویسنده ناآرام است که برای خود او آشناست و به همین دلیل هم هست که در آن سفر روحانی با دیدن افراد و صحنه‌ها دست به خلق سفرنامه می‌زند.

سفرنامه، خود نویسنده است اما هنر این است که خود را پنهان کند. در واقع اگر نویسنده بتواند نقطه‌ای را برای مخاطب شرح دهد که خواننده بتواند آن را تجسم کند، نشان از تسلط و چیرگی نویسنده است. به همین دلیل این سفرنامه بیشتر آئینه شورشیدگی نویسنده است و در آن حس معنوی زیادی به چشم نمی‌خورد. البته باید توجه به اینکه کتاب در دهه هفتاد نوشته شده است و در آن دوره ما با یک شرایط اجتماعی متفاوت و یک نویسنده جوانِ هدایت‌الله بهبودی_روبه‌رو هستیم. فلذا با توجه به این موضوع باید کتاب را مورد بررسی قرار داد. او در صفحات ابتدائی کتاب می‌نویسد: «این کتاب گشتم خبری نبود یک چیزی اینجا موج نمی‌زند. نمدانم چیست! شاید شور زیارت باشد. شاید هم عشق که مثل پاره‌های ابر در آسمان حرم پرآکنده‌اند.»(صفحه، ۱۴ نسخه الکترونیکی)

از خصوصیات نثر هدایت‌الله بهبودی این است که سهل و ممتنع می‌نویسد و به آسانی اتفاقی را تعریف می‌کند که به نظر ساده است اما اگر گزارش باشد خواننده آن را بنویسد بسیار سخت و دشوار است. جملات کتاب به صورت مستقیم و ساده بیان شده‌اند و توصیف‌ها با ایجاز و در عین حال جامع‌اند. نویسنده با دیدگاه و نگارش خاص خود، انتقاداتش را مطرح می‌کند. وقتی با نویسنده به حرم نبوی صلوات‌الله‌علیه‌وآله می‌رسیم، احساس غریبی به ما دست می‌دهد؛ چرا که او به درستی می‌گوید «پاسان‌های عرب طرفدار اتحاد روح و جسمند».

آنچنان که از شواهد امر یعنی سفرنامه حج نویسندگان مختلف برمی‌آید در زمان سفر حج چیزی درون نویسنده ناآرام است که برای خود او آشناست و به همین دلیل هم هست که در آن سفر روحانی با دیدن افراد و صحنه‌ها دست به خلق سفرنامه می‌زند.

سفرنامه، خود نویسنده است اما هنر این است که خود را پنهان کند. در واقع اگر نویسنده بتواند نقطه‌ای را برای مخاطب شرح دهد که خواننده بتواند آن را تجسم کند، نشان از تسلط و چیرگی نویسنده است. به همین دلیل این سفرنامه بیشتر آئینه شورشیدگی نویسنده است و در آن حس معنوی زیادی به چشم نمی‌خورد. البته باید توجه به اینکه کتاب در دهه هفتاد نوشته شده است و در آن دوره ما با یک شرایط اجتماعی متفاوت و یک نویسنده جوانِ هدایت‌الله بهبودی_روبه‌رو هستیم. فلذا با توجه به این موضوع باید کتاب را مورد بررسی قرار داد. او در صفحات ابتدائی کتاب می‌نویسد: «این کتاب گشتم خبری نبود یک چیزی اینجا موج نمی‌زند. نمدانم چیست! شاید شور زیارت باشد. شاید هم عشق که مثل پاره‌های ابر در آسمان حرم پرآکنده‌اند.»(صفحه، ۱۴ نسخه الکترونیکی)

از خصوصیات نثر هدایت‌الله بهبودی این است که سهل و ممتنع می‌نویسد و به آسانی اتفاقی را تعریف می‌کند که به نظر ساده است اما اگر گزارش باشد خواننده آن را بنویسد بسیار سخت و دشوار است. جملات کتاب به صورت مستقیم و ساده بیان شده‌اند و توصیف‌ها با ایجاز و در عین حال جامع‌اند. نویسنده با دیدگاه و نگارش خاص خود، انتقاداتش را مطرح می‌کند. وقتی با نویسنده به حرم نبوی صلوات‌الله‌علیه‌وآله می‌رسیم، احساس غریبی به ما دست می‌دهد؛ چرا که او به درستی می‌گوید «پاسان‌های عرب طرفدار اتحاد روح و جسمند».

آنچنان که از شواهد امر یعنی سفرنامه حج نویسندگان مختلف برمی‌آید در زمان سفر حج چیزی درون نویسنده ناآرام است که برای خود او آشناست و به همین دلیل هم هست که در آن سفر روحانی با دیدن افراد و صحنه‌ها دست به خلق سفرنامه می‌زند.

تدوین و اجرای نظام جامع رتبه‌بندی مؤسسات فرهنگی و هنری و صدور مجوز برای مؤسسات صنایع فرهنگی و کارگزاری‌های ادبی برای نخستین‌بار، زمینه‌ساز ایجاد نظم و شفافیت در بازار فرهنگ کشور شده و از منظر سیاست‌گذاری فرهنگی، قابل تقدیر است. البته این اقدامات گسترده برای بخش گسترده‌ای از هنرمندان نیز بوده است و نه صرفاً پرداختن به تعداد اندکی از سلبریتی‌های مطرح و راضی کردن آنها برای حمایت از دولت و سرکوب صدای بدنه فرهنگی و هنری کشور و در انتها ادعاهای بسیار داشتن. هدف در دولت سیزدهم رسیدگی به افرادی بود که با عشق و علاقه فعالان فرهنگی و هنری بوده‌اند و صفحات مجازی با تعداد دنبال‌کننده‌های میلیونی هم ندارند و اتفاقاً از منظر معیشتی نیز در ضعف بوده‌اند. این همان ایده عدالت در حکمرانی بوده است که جنبه رسانه‌ای آن برای هیاهو کردن کم است اما جنبه خدمت واقعی به اقشار نیازمند بالا.

تثبیت فرهنگ به‌عنوان یک محور توسعه

دولت شهید رئیسی در قامت دولت سیزدهم، توانست بخش مهمی از کاستی‌های گذشته در حوزه فرهنگ و هنر را جبران کند. همچنین با نگاهی رو به آینده، زیرساخت‌هایی را پایه‌گذاری کرد که می‌تواند مسیر تحول و توسعه پایدار فرهنگی را برای سال‌های آینده تضمین کند.

البته تمامی این عملکرد را می‌بایست همراه با دو موج مهم بررسی کرد: موج کرونا که مراد ۱۴۰۰ جان بیش از ۷۰۰ نفر از مردم را روزه می‌گرفت و همچنین موج دوم که همان موج فتنه‌ای بود که اتفاقاً به دنبال تعطیلی کامل فرهنگ و هنر در کشور بود. فتنه‌انگیزان به دنبال به اتمام رساندن تمام صنعت فرهنگی و هنری بودند به‌طوری‌که هر کدام فرهنگی یا هنری را به طور گسترده آماج حملات قرار می‌دادند. دولت سیزدهم به ریاست جمهوری شهید سیداراحیم رئیسی اما توانست با وجود این دو موج که یکی عظیم بود و دیگری عمیق، توانست نه تنها فرهنگ و هنر کشور را حفظ کند بلکه بتواند به پیشرفت چشمگیری و حتی توسعه زیرساخت‌ها برای ایجاد آینده‌ای بهتر نیز برسد.

اگرچه هنوز چالش‌هایی در مسیر توسعه همه‌جانبه فرهنگی کشور باقی‌است، اما دستاوردهای این دوره را می‌توان نقطه عطفی و تجربه‌ای موفق در تبدیل فرهنگ از یک بخش مصرفی به یک پیشران اقتصادی و اجتماعی دانست.

کودک چگونه شروع کنیم؟ و پاسخ این است که ما باید خیلی در شروع کلام درنگ داشته باشیم. در ادامه این نخستن محسن هجری نویسنده و منتقد ادبی ادبیات کودک و نوجوان در پاسخ به این سؤال که: راز ماندگاری آثار در زمینه ادبیات دینی چیست، گفت: برای من مطالعه این کتاب به منزله پرسش است و به عنوان کسی که نزدیک به سه دهه تلاش در مقله‌های دینی را برای کودکان به متن تبدیل کنم، این کتاب مثل آیینی‌ای در مقابلم بود. وی بیان کرد: در این کتاب، نویسنده می‌گوید ما آن بر ادبیات کودک است، اما آیا ما قلمروهای دیگری نیز برای ادبیات کودک و نوجوان می‌شناسیم یا خیر؟ سئگری ادامه داد: واژه دوم این عنوان، دین است، اینکه دین چیست، اگر کسی در مورد پدیده‌های چون زمین و آسمان و ستارگان بنویسد، از دین نوشته است؟ آیا ادبیات دینی، ادبیاتی است که دینداران و کسانی که ما آنها را به عنوان چهره‌های دینی می‌شناسیم، می‌نویسند یا غیر از این هم در حیطه ادبیات دینی قرار می‌گیرد؟ آسا هر چه درباره دین است، ادبیات دینی است؟ این سوالات ساده است، اما هجری ادامه داد: نوع ارائه ادبیات دینی کودکان با ادبیات و کودک متفاوت است و به نظر من در میان مواردی چون اطمینان و امنیت و رشد، لذت و همه مهمتر است. در واقع در درجه اول باید بدانیم



اینجاست که چالش‌های ما شروع می‌شود. اینکه ما کدام دین را ما به عنوان ادبیات دینی می‌شناسیم. وی همچنین عنوان کرد: یکی از ابعاد وجودی انسان میل به جاودانگی است، ما دوست داریم باقی بمانیم. هیچ کس مرگ را دوست ندارد. حتی شهید، بزرگ‌ترین شهید چهره شد مرگ است، چون او با آنگاه که مرگ را تجربه می‌کند، در جهان خود را به عنوان یک نقطه قوت می‌بینم اما تصور می‌کنم آسیب آن نیز کم نیست.

سئگری در ادامه بیان کرد: وقتی از ادبیات دینی کودک صحبت می‌کنیم سؤال پیش می‌آید که کودک کیست و چه جهانی دارد؟ ۱۸ ویژگی برای کودک احصا کرده‌اند که اولین آن تنزیل است یعنی ما برای اینکه با جهان کودک ارتباط برقرار کنیم باید کودک شویم. وی ادامه داد: مریم جلالی در کتابش اشارات خیلی خوبی به موضوع جهان کودک داشته است و نظریه‌هایی را مطرح کرده، اما آیا فقط همین نظریه‌ها در این باره وجود دارد؟ و سؤال دیگر اینکه در قلمرو دین، چند نظریه برای جهان کودک وجود دارد و در کود که را چگونه می‌بیند و جالب است که بداندیه کودک در دین بسیار عزیز و مهم است.

این پژوهشگر در بخش دیگری از سخنان خود اظهار کرد: در حوزه ادبیات سه قلمرو داریم که باید آنها را بشناسیم و بدانیم که از کدام، چه زمانی و چگونه استفاده کنیم. اولین آن حوزه زبان است، در زبان یک قلمرو واژگان وجود دارد که ما هم نسبت برقرار می‌کنند مثال حضرت یوسف، یک کودک مؤلف است و ما در ادبیات دینی کودک از این موضوع غفلت کرده‌ایم، چراکه چارچوب‌های آرمان‌شهر به ما اجازه پرداختن به آن را نمی‌دهد.

سیزدهم لقمه‌شان میان عموم مردم با عدالت بیشتری تقسیم شده بود. همچنین دولت سیزدهم اقدام به بازگشایی نمایشگاه رسانه‌های ایران و احیای جشنواره فجر بازی‌های رایانه‌ای کرد؛ دو رویداد مؤثر که بار دیگر فضای امید و تحرک را به بدنه فرهنگ و رسانه کشور بازگرداند. برگزاری بیش از ۲۰۰ رویداد فاخر هنری نیز از دیگر جلوه‌های این حرکت پرشاب فرهنگی است.

یکی از رویکردهای هوشمندانه دولت سیزدهم، تغییر جهت‌گیری از صرفاً اجرای رویدادهای هنری به تقویت تولید محتوا و اقتصاد هنر بوده است. در همین چارچوب، فعال‌سازی دبیرخانه‌های شورای توسعه صادرات فرهنگی و راننداری بازارگاه اختصاصی کتاب (bazar.ketab.ir)، گام‌هایی مهم برای ورود هنر ایران به عرصه بین‌المللی بوده است.

همچنین، با تدوین طرح ساماندهی رویدادهای هنری، دولت تلاش کرده است تا از شکل‌گیری

یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی وضعیت فرهنگی هر کشور، نرخ مصرف فرهنگ است. گزارش‌ها از رشد ۷۰۰ درصدی مصرف فرهنگی نسبت به آغاز دولت سیزدهم حکایت دارد؛ رشدی بی‌سابقه که نشان‌دهنده تأثیرگذاری سیاست‌های دولت در تشویق مردم به استفاده از محصولات فرهنگی است. این هفت برابرِ نرخ محصولات فرهنگی نشان می‌دهد برخلاف تهمت‌ها و صحبت‌های ناروایی که برخی سیاستمداران، سودجویان و سرمایه‌داران علیه دولت شهید رئیسی می‌زنند که این دولت حوزه فرهنگ و هنر کشور را کوچک کرده، کاملاً دروغ است و دولتی که با سلبریتی‌محوری و شعارهای زرد پیرامون فرهنگ و هنر را جمع نکرده است، بزرگ‌ترین خدمات را به این عرصه داشته است.

لذا دلیل آن توهین‌ها ریشه در دلسوزی ندارد بلکه ریشه در ضرر کسانی دارد که این عرصه را یک لقمه بزرگ و چرب برای خود کرده بودند و در دوران دولت

نخست «قرار هفت» با موضوع نقد و بررسی کتاب «ادبیات دینی کودک و نوجوان؛ نظریه‌ها و رویکردها» در کارستان بهارستان برگزار شد.

در این رویداد محمدرضا سنگری نویسنده، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، مریم جلالی نویسنده و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و محسن جعفری نویسنده و منتقد ادبی ادبیات کودک و نوجوان در ابتدای این برنامه، مریم جلالی نویسنده کتاب «ادبیات دینی کودک و نوجوان؛ نظریه‌ها و رویکردها» درباره ایده و ضرورت نگارش این کتاب، گفت: ادبیات دینی کودک و نوجوان، جزئی از هویت اصلی کودکان سرزمین ایران است. در واقع زمینه‌های ادبیات دینی کودک و نوجوان در میان متون ادب فارسی و متون اولیه پیش از اسلام وجود داشته است بنابراین پرداختن به این موضوع، پرداختن به هویت اساسی کودکان ما است.

وی ادامه داد: اما ورود ما به این عرصه به شکل دانشگاهی و آکادمیک، با طرح ادبیات کودک و نوجوان در دانشگاه‌ها هم‌زمانی دارد؛ اما‌آخر دهه هشتاد، ادبیات

راز ماندگاری آثار در ادبیات دینی برای کودکان و نوجوانان

کودک و نوجوان را در ذیل رشته زبان و ادبیات فارسی دانشتیم و یکی از واحدهای درسی تعریف‌شده واحد درسی ادبیات دینی کودکان و نوجوان بود. این نویسنده در ادامه توضیح داد: اگر ما به سرفصل‌ها و منابعی که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ذیل این عنوان آورده است دقت کنیم، متوجه می‌شویم منابعی که معرفی‌شده مستقیماً با مخاطب کودک و نوجوان ارتباط ندارد.

مریم جلالی اظهار کرد: می‌توان گفت تا پیش از این به نظررهمای جهانی این موضوع پرداخته نشده بود، پس دیدیم اگر قرار به معرفی این واحد درسی در جهان باشد، شناسیت است محتوایی به عنوان منبعی درسی ارائه شود که تا حدی کشورهای دیگر با ادیان مختلف هم بتوانند به آن نگاه داشته باشند و صرفاً تمرکز بر مسائل مطرح‌شده اسلامی در حوزه ادبیات دینی نباشد و این انگیزه اصلی پرداختن به این موضوع بود.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: در واقع تمرکز اصلی این کتاب بر پرداختن به نظریه‌هایی است که زبان مشترک سرزمین ما و دیگر سرزمین‌ها می‌شود. با خواندن این نظریه‌ها متوجه می‌شویم توصیه‌های اسلام در حصر دین اسلام نیست، بلکه ادیان دیگر هم به آن پرداخته‌اند.

در ادامه این برنامه، محمدرضا سنگری گفت: همواره حضور در مسیرهای زفته و قلمرو ناآلوده دشوار است، به ویژه اینکه شما در زمینه‌ای کار کنید که منابع ایجاد وجود نداشته باشد.

وی ادامه داد: گاهی اوقات دانشجویان من وقتی موضوعی را برای پژوهش مطرح می‌کنیم اولین سؤال‌شان این است چه تعداد منبع برای پژوهش موردنظر وجود دارد و وقتی پاسخ می‌دهم که شما خودتان باید منبع تولید کنید و کتاب شما، مرجع برای دیگران باشد، با اندکی بهت‌زدگی و ناباوری می‌گویند مگر ممکن است؟ اما هنر انسان‌ها برای بزرگ این است که ناممکن‌ها را ممکن کنند، بنابراین من کتاب مریم جلالی را قدم اول در این مسیر می‌دانم و البته قلمروهایی بسیاری نیز پیش‌رو است.

این نویسنده در ادامه گفت: دابر شن گرایش کارشناسی ادبیات کودکان و نوجوان اتفاق مبارکی

همچنین، افزایش حدود ۴۰ درصدی صندلی‌های نمایش در مناطق محروم، نشان می‌دهد دولت سیزدهم صرفاً به گسترش فیزیکی بسنده نکرده، بلکه تلاش کرده تا دسترسی فرهنگی عادلانه‌تری برای اقشار مختلف جامعه فراهم آورد. اتفاقی که پیش از این یک معضل در سیاست‌گذاری بوده است؛ عموم امکانات فرهنگی و هنری مختص به قشر ثروتمند جامعه بوده است. دولت شهید رئیسی نگاهی متفاوت از سیاست سرمایه‌سالاری سالیان قبل خود داشت.

در همین جهت، طرح موفق «سینما سیار» با اکران بیش از ۳۰۰۰ فیلم در ۲۰۲ شهرستان، تجربه‌ای نوین در رساندن هنر هفتم به دل روستاها و مناطق محروم بوده و توانست به جای اتلاف وقت و صبر اضافه برای رسیدن امکانات به قلب مناطق محروم، آنچه که برخورداران بالاشهری داشتند اما روستاشنیشان عزیز نداشتند را به سرعت فراهم آورد. اتفاقی که البته می‌توان آن را الگویی برای توسعه سایر بخش‌های هنری نیز دانست.

باز نشر یادداشتی از مرحوم منصور ایمانی حزب‌الله در شاهنامه

اشاره: مرحوم منصور ایمانی از هنرمندان، نویسندگان و مدیران فرهنگی متعهد و دلسوخته بود که متأسفانه سال گذشته در اثر ابتلا به بیماری سرطان، جان به جاناب اقرین تسلیم کرد. حزب‌الله در شاهنامه، یکی از یادداشت‌های خواندنی آن مرحوم است که قبلاً در صفحه ادب و هنر روزنامه کیهان منتشر شده بود که در آستانه روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، این یادداشت مجدداً منتشر می‌شود:



شباهت‌هایی ممکن است میان اسفندیار عهد کبایی و حزب‌اللهی‌های هم‌روزگار ما وجود داشته باشد؟ خصال بسیجی‌های حزب‌اللهی را تقریباً می‌شناختم. داستان اسفندیار را هم در شاهنامه بارها خوانده بودم، ولی از زاویه دید و تعریف بدیع حضرت آقا، به این شخصیت اسطوره‌ای نگاه نکرده بودم و چنین شناختی نداشتم. فلذا برای یافتن این ویژگی، شاهنامه حکیم توس ابوالقاسم فردوسی را، در بخشی که مربوط به صحنه‌های رزم یا زندگی و سر نوشت اسفندیار بود، مطالعه کردم. حاصل این جست‌وجو، یافتن خصال و صفات والای دینی، انسانی و ملی، در وجود این اسطوره بود که تیتروار، عناوینی از این صفات را، گزارش می‌کنم:

- گرویدن به دین یکتاپرستی به مفهوم اسلام و تسلیم شدن.
- پایبندی و عمل به دستورات دین به معنای ایمان آوردن.
- دفاع از ایرانیان در برابر تهاجم توتوایان اجنبی
- نهراسیدن از مرگ در میدان جنگ با دشمن
- استقبال از مرگ در میدان کارزار و دفاع از ارزش‌های الهی و انسانی
- ترجیح آرمان‌های ملت ایران بر جان خود، به عبارتی «شهادت‌طلبی»
- ابراز شهامت و شجاعت در جنگ
- امان دادن به اسیر جنگی
- تکریم و احسان نسبت به پدر و مادر
- تسلط بر نفس و خوشبختنداری در مواقع خشم و غضب
- داشتن غرور ملی و تفاخر به آن
- دارا بودن ذکاوت، فرست و سیاست در جنگ و آیین مملکت‌داری
- داشتن معرفت و بصیرت
- غیوربودن در حفظ نوامیس خود و دیگران
- ترجیح منافع ملی بر منافع شخصی
- صبر و بردباری بهنگام مصیبت و شکست
- امید به گشایش و فرج خداوندگار یگانه، به وقت عسرت، شکست، سختی و ناکامی
- اهتمام به وظائف دینی و امور اخروی خود
- توجه و رسیدگی به امور دنیوی ایرانیان

فردوسی بزرگ، این خصایص و فضائل را در صحنه‌های رزم و یا در عرصه زندگی این اسطوره ملی، در قالب منظومه حماسی «شاهنامه» کشف و ذکر کرده است. در کنار این اوصاف، البته ده‌ها خصلت دینی و انسانی دیگری از وی ذکر می‌کند که ما برای رعایت حوصله خوانندگان محترم، تنها به چند مورد از آنها اکتفا کردیم. ضمناً حکیم توس، هم به یک از این صفات و صفت‌ها، مهابت «حکمی» می‌بخشد. از همین روست که رهبر انقلاب تأکید می‌فرماید «پاید حکمت فردوسی استخراج شود تا همه بدانند این حکمت، اسلامی است.»